

DAD-LAW

www.dad-law.blogfa.com

www.dad-law.ir

وبلاگ تخصصی

حقوق ایران

برنزیب مقالات و دانشود جزوات حقوقی و مجموعه قوانین

DAD LAW

WWW.DAD-LAW.BLOGFA.COM

WWW.DAD-LAW.IR

وبلاگ تخصصی حقوق ایران



غلامرضا محمد نسل *

بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران

چکیده:

امروزه، تعلیق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین یا مجازات‌های بینابینی، مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم‌های مؤثری را در راه اصلاح بزهکاران غیرخطرناک برداشته‌اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. لیکن متأسفانه علی‌رغم گذشت هشت دهه از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه‌ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعلیق مراقبتی مشاهده نمی‌شود.

متأسفانه رویه قضایی کشور ما با نهاد تعلیق مجازات، برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش‌های تخفیف مجازات، استفاده می‌کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضات برای رعایت شرایط قانونی تعلیق، مشاهده نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که راه حل این مشکل، بومی‌سازی روش‌های رایج در سایر کشورها و تأسیس نهادهای لازم در این زمینه است.

واژگان کلیدی:

تعلیق مجازات، تعلیق ساده، تعلیق مراقبتی، تعلیق مراقبتی فشرده، مأمور نظارت بر تعلیق، نهاد اجرای تعلیق، شرایط تعلیق، رویه محاکم ایران.

مقدمه

در چند دهه اخیر تاریخ زندگی بشر، نظرات جدیدی در خصوص جرایم و مجازات‌ها ابراز شده است. جوامع کنونی در سیاست جنایی خود تلاش دارند تا با تدابیر مختلفی همچون جرم زدایی و قضازدایی از برخی انحرافات اجتماعی جلوگیری کنند و همچنین با استفاده از تدابیر اداری و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به جای ضمانت اجرای جزایی، به تنظیم هنجارهای اجتماعی بپردازند.

در حال حاضر، نگرش‌ها از مطلق انگاری در اجرای مجازات‌ها، به واقع‌نگری تغییر یافته است. مجازات بیش از عقوبت و تنبیه، به اصلاح بزهکاران می‌اندیشند. به همین دلیل، زمانی که اجرای مجازات ضرورت ویژه‌ای نداشته باشد و یا اینکه اعطای فرصتی دیگر به بزهکار جهت جبران مافات، مناسب باشد و عمل ارتكابی فرد محکوم نیز، از جرایم مهم نباشد، در این صورت، سیاست کیفری کشورهای مختلف متمایل به نرمش در اجرای مجازات شده است.

تعلیق اجرای مجازات، منظور فوق را برآورده می‌سازد. در تعلیق اجرای مجازات - برخلاف تعلیق تعقیب - فرد بزهکار در دادگاه صالح تعقیب و کلیه دلایل و مدارک علیه او ارائه شده و نهایتاً نامبرده محکوم به مجازات شده است، لیکن وجود شرایطی در فرد بزهکار و نوع جرم ارتكابی او و همچنین تعهدات شخص محکوم علیه به رعایت برخی شروط در آتیه، دادگاه را امیدوار می‌سازد که با ارائه فرصتی دیگر به او، به‌طور مشروط مجازات او را معلق نماید.

نهاد حقوقی تعلیق مجازات در قانون جزای کشور ما نیز همانند بسیاری دیگر از کشورهای جهان، وجود دارد. لیکن سؤال این است که محاکم و رویه قضایی کشور ما (به مفهوم عام آن) از امکان مزبور چگونه بهره‌برداری می‌نمایند؟ مقاله حاضر در صدد پاسخگویی اجمالی به این سؤال در دو بخش می‌باشد. بخش اول به مطالب نظری و یادآوری مفهوم حقوقی تعلیق مجازات و ضوابط و شرایط و کیفیات اعمال آن اختصاص یافته است. بخش دوم نیز به ارزیابی عملکرد رویه قضایی ایران در تعلیق مجازات خواهد پرداخت. نگارنده با استفاده از نمونه‌گیری به عمل آمده از آرای شعب مختلف دادگاه‌های عمومی برخی از شهرهای کشور تلاش خواهد داشت که دورنمایی از عملکرد رویه قضایی ایران را در این زمینه در اختیار خوانندگان محترم قرار دهد. در بخش آخر نیز به تجزیه و تحلیل یافته‌ها و ارائه برخی از راهکارها برای بهره‌گیری

بیشتر این نهاد حقوقی، خواهیم پرداخت.

بخش اول - آشنایی با مفهوم حقوقی تعلیق مجازات

این بخش را در شش مبحث ارائه خواهیم نمود. فلسفه و تاریخچه تعلیق مجازات و انواع آن در حقوق جزای ایران و همچنین شرایط تعلیق و تعهدات محکوم علیه و وظایف دادگاه، مباحث این بخش را تشکیل می‌دهند.

مبحث اول - فلسفه تعلیق مجازات

اندیشمندان در طول تاریخ تجربه کرده‌اند که در برخی موارد، معلق گذاشتن اجرای مجازات از اجرای فوری آن، سودمندتر است. عمده دلایل این نتیجه‌گیری عبارتند از:

۱. در بسیاری از موارد جرم ارتكابی، آن چنان خطرناک نیست که از نظر تسکین افکار عمومی، اجرای مجازات فوری ضرورت قطعی داشته باشد و منافع اجتماعی با تعلیق مجازات بیشتر تأمین می‌شود.

۲. در برخی موارد با توجه به روحیات و حالات مرتکب جرم معلوم می‌شود که تهدید به اجرای مجازات بیش از خود مجازات در رفتار آتی مرتکب مؤثر می‌باشد.

۳. امکان دارد که چنانچه مرتکب به محیط جرم زای زندان فرستاده شود، نه تنها تنبیه نشود بلکه رفتارهای مجرمانه دیگری را فرا گرفته و ارزش‌های مجرمانه را درون افکنی کند. (پرویز صانع،

حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ص ۲۹۲)

۴. تعلیق کیفر به نفع مرتکب جرم است، هرچند با حکم محکومیت مجرم را متوجه خطری که در جامعه ایجاد کرده، می‌کنند و او را به مجازات محکوم می‌نمایند ولی به بزه‌کار فرصت داده می‌شود تا در ترمیم و جبران آن بکوشد و در عین حال بداند که جامعه درصدد انتقام از او نیست و پیش از آنکه با اجرای مجازات تنبیهش کنند اصلاح او مورد نظر است. با این فرض مرتکب جرم به واسطه انجام بزه دچار از هم پاشیدگی شغلی و اغتشاش در زندگی نخواهد شد و

در اصلاح خود و بازگشت به جامعه خواهد کوشید. (رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۳)

۵. جامعه در صورت تعلیق اجرای مجازات از نیروی کار این گروه از بزه‌کاران بی‌نصیب

نخواهد شد.

۶. از تراکم محکومین در زندان‌ها جلوگیری می‌شود.

مبحث دوم - تاریخچه تعلیق مجازات در حقوق ایران

تعلیق اجرای مجازات اولین بار در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ طی مواد ۴۷ تا ۵۰ و از نوع تعلیق ساده پیش‌بینی گردید. در سال ۱۳۰۷ اصلاحیه‌ای قانونی با عنوان «قانون راجع به موارد تعلیق» موارد شمول تعلیق را به بیست و هفت جرم محدود کرد و در سال ۱۳۴۶ قانون «تعلیق اجرای مجازات» در ۱۸ ماده به تصویب رسید. تصویب نامه امور زندان‌ها در جلسه ۲۷۳ مورخه ۱۳۶۱/۲/۷ شورای عالی قضایی سابق به جای آئین‌نامه در دست تهیه قانون مزبور تصویب گردید. (برج‌گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۳۹۷)

متعاقباً تعلیق اجرای مجازات از صورت قانونی خاص خارج شده و در قالب ماده ۴۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ پیش‌بینی شد. نهایتاً تعلیق اجرای مجازات موضوع مواد ۲۵ تا ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ گردید که اکنون نیز لازم‌الاجرا است. (حسن‌دایان، تفریبات درس حقوق جزای عمومی دوره دکتری)

مبحث سوم - انواع تعلیق مجازات

در حقوق جزای ایران، تعلیق اجرای مجازات به دو نوع تعلیق ساده و تعلیق مراقبتی تقسیم می‌شود. (هوشنگ شامیانی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ص ۴۴۰) در برخی دیگر از کشورهای جهان تعلیق اجرای مجازات از تنوع بیشتری برخوردار است. به عنوان مثال، در حقوق فرانسه چهار نوع تعلیق مجازات وجود دارد: ۱- تعلیق ساده ۲- تعلیق توأم با آزمایش (کمک و نظارت) ۳- تعلیق توأم با تعهد اجرای یک کار عام‌المنفعه ۴- و به تأخیر انداختن صدور حکم مجازات توأم با آزمایش. (کاستون استفانی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، صص ۸۲۸-۸۵۶)

به نظر می‌رسد که تعلیق‌های نوع سوم و چهارم در حقوق فرانسه علی‌رغم تفاوت در اجرا و قلمرو، در واقع هر دو، تعلیق مراقبتی به شمار می‌روند و تعلیق نوع چهارم نیز به نظر نگارنده در واقع تعلیق صدور حکم است که علاوه بر تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات در حقوق جزای

فرانسه پیش‌بینی شده است نه اینکه نوعی از تعلیق اجرای مجازات محسوب شود. در کشورهای گروه حقوقی کامن لایز قبیل انگلستان و امریکا و کانادا نیز اشکال پیشرفته‌ای از تعلیق مجازات دیده می‌شود و نهادهای اجرایی وسیعی برای نظارت و کنترل این تعلیق‌ها به وجود آمده است. (محمد آشوری، جایگزین‌های زندان، صص ۲۹۱-۳۲۱ و مارک آتسل، دفاع اجتماعی، صص ۱۰۳)

مبحث چهارم - شرایط تعلیق مجازات در حقوق جزای معاصر ایران

حقوقدانان معاصر شرایط تعلیق مجازات را به چند روش دسته‌بندی نموده‌اند، برخی از آنان شرایط تعلیق را به دو دسته شرایط ماهوی و شرایط شکلی تقسیم می‌کنند. (هوشنگ شامیاتی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، صص ۴۴۰)

برخی دیگر تقسیم‌بندی جزئی‌تری را در پیش گرفته و این شرایط را به چهار دسته تقسیم کرده‌اند:

۱- شروط راجع به طبیعت مجازات ۲- شروط راجع به گذشته محکوم علیه ۳- شروط راجع به آینده محکوم علیه ۴- شروط راجع به جرایم ارتكابی. (رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، صص ۳۰۳-۳۰۶) در نهایت، حاصل هر دو تقسیم‌بندی یکسان است اما جهت سهولت در مطالعه، تقسیم‌بندی دوم را پی می‌گیریم.

۱- شروط راجع به طبیعت مجازات

به موجب ماده ۲۵ ق.م.ا. اساساً تعلیق اجرای مجازات، در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده مصداق دارد. در حدود، تعلیق اجرای مجازات جایگاهی ندارد و صرفاً تعویق اجرای مجازات در مواردی پذیرفته شده است. در مجموع حدود احکام خاص مربوط به خود را داراست و مقررات مربوط به تعزیرات در خصوص حدود، قابل تسری نمی‌باشد. قصاص و دیه نیز حق شخصی هستند و قابل تعلیق نیستند.

۲- شروط راجع به گذشته شخص محکوم

برخی از شروط مربوط به گذشته محکوم (سوابق قبل از محاکمه) می‌باشد. این شروط را

می‌توان در چهار مورد برشمرد:

۲/۱. **عدم وجود محکومیت مؤثر کیفری:** در قوانین قبلی مربوط به تعلیق مجازات، زمانی شرط استفاده از تعلیق این بود که مجرم قبلاً به زندان نرفته باشد. بعدها این شرط تبدیل شد به اینکه مجرم صرفاً فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد یا اگر سابقه محکومیت مؤثر کیفری داشته است، به جتهی از جهات قانونی این محکومیت و آثار آن زایل شده باشد. (بند الف ماده ۴۰ قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱)

به موجب قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی مصوب ۲۶ مهرماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی، مراد از محکومیت‌های مؤثر کیفری عبارت است از:

- * محکومیت به حد
- * محکومیت به قطع یا نقص عضو
- * محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالا در جرایم عمدی
- * محکومیت به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون ریال و بالاتر
- * سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان

مجازات

در تجدید نظری که در سال ۱۳۷۰ در قانون مجازات اسلامی صورت گرفت محکومیت‌های مذکور با تغییراتی بسیار جزئی در انشاء و بدون ذکر نام آنها (به عنوان محکومیت‌های مؤثر کیفری) عیناً در ماده ۴۰ گنجانده شد. پس در حال حاضر نیز، شرط برخورداری محکوم علیه از تعلیق اجرای مجازات آن است که محکوم، سابقه محکومیت مؤثر کیفری نداشته باشد.

۲/۲. **وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم:** وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه باید مفید بودن تعلیق اجرای مجازات و امید به اصلاح محکوم علیه را در ذهن قاضی تقویت نماید.

۲/۳. **اوضاع و احوال ارتکاب جرم:** اوضاع و احوال ارتکاب جرم باید به نحوی باشد که خطرناک بودن محکوم علیه را در نظر قاضی به حداقل ممکن برساند. در غیر این صورت قاضی تعلیق اجرای مجازات را بیهوده خواهد انگاشت.

۲/۴. **عدم تعدد جرم:** به موجب ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، مقررات مربوط به تعلیق

مجازات درباره کسانی که به جرایم عمدی متعدد محکوم می‌شوند قابل اجرا نیست. پس تعدد محکومیت به جرایم عمدی مانع برخورداری از تعلیق است.

۳- شروط راجع به آینده محکوم علیه

فلسفه اصلی تعلیق اجرای مجازات اصلاح مجرم است و این امر باید در آینده محکوم علیه محقق شود. تصمیم دادگاه صرفاً یک برنامه‌ریزی برای اصلاح محکوم است. لیکن موفقیت این تصمیم بسته به میزان تعامل و خواست محکوم دارد. هرچند که در قوانین تصریح نشده است که آیا شرط برخورداری از تعلیق موافقت محکوم علیه با تصمیم تعلیق توسط دادگاه می‌باشد یا خیر؟ لیکن به نظر می‌رسد که تعلیق اجباری کارساز نیست و باید تعلیق توافقی اعمال شود.

شروط راجع به آینده محکوم عبارتند از:

۳/۱: تعهد به زندگی شرافتمندانه و فاصله گرفتن از ارتکاب جرم در زمان تعلیق

۳/۲: تعهد به تبعیت از دستورات دادگاه، (از تعلیق‌های مراقبتی توأم با آزمایش)

۴- شروط راجع به جرایم ارتكابی

قانون‌گذار در همه جرایم اجازه تعلیق اجرای مجازات را به دادگاه نداده است بلکه به دلیل طبیعت ناخوشایند برخی از جرایم و اهمیت آنها در روند زندگی اقتصادی کشور یا خطرات این جرایم برای جامعه به موجب ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی برخی از جرایم را از شمول تعلیق خارج کرده است. (رضا نورپنا، زمینه حقوق جزای عمومی، صص ۳۳۰-۳۳۶) این جرایم عبارتند از:

۱- مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحاء با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می‌نمایند.

۲- مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست و آدم‌ربایی محکوم می‌شوند.

۳- مجازات کسانی که به نحوی از انحاء در انجام اعمال مستوجب حد همکاری می‌نمایند.

مبحث پنجم - تعهدات محکوم علیه در تعلیق مراقبتی

در تعلیق مراقبتی، دادگاه می‌تواند اجرای برخی دستورات تعهدآور را از محکوم علیه بخواهد. این دستورات جنبه حصری دارند و دادگاه نمی‌تواند از چارچوب مذکور خارج شود و دستورات دیگری را جعل نماید. تعهدات متهم در این خصوص را می‌توان به تعهدات مثبت که امری هستند و تعهدات منفی که حاوی نهی دادگاه است، تقسیم نمود.

۱- تعهدات مثبت: سه تعهد از این نوع در قانون مشخص شده‌اند که عبارتند از:

الف) مراجعه محکوم علیه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود

ب) اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی

ج) معرفی خود در مدت‌های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می‌کند.

۲- تعهدات منفی: از این نوع تعهد نیز، به سه مورد در قانون اشاره شده است:

الف) خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین

ب) خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که

دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص دهد.

ج) خودداری از رفت و آمد به محل‌های معین

در کشورهای دیگر برای نظارت بر عملکرد محکوم علیه در دوران تعلیق مراقبتی و تضمین سازنده بودن تصمیمات دادگاه و نظارت بر حسن اجرای آن، سازمان‌های خاصی پیش بینی شده است، لیکن متأسفانه در کشور ما تاکنون چنین تشکیلاتی به وجود نیامده است.

مبحث ششم - وظایف دادگاه تعلیق کننده مجازات

از مجموع مواد ۲۵ الی ۳۶ قانون مجازات اسلامی که در حال حاضر مقررات مربوط به تعلیق اجرای مجازات در حقوق جزای ایران را تشکیل می‌دهند، وظایف زیر برای دادگاه استنباط می‌شود. البته برخی از این وظایف صراحتاً ذکر شده و برخی به‌طور ضمنی آمده است.

۱- احراز وجود شرایط تعلیق: از آنجا که صدور قرار تعلیق اجرای مجازات منوط به وجود

شرایطی می‌باشد، لذا دادگاه باید احراز نماید که شرایط مذکور در مورد محکوم علیه خاص

موجود می‌باشد یا خیر؟ (رضا نوربها، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۳۰۷) این کار قاعده‌تاً باید با استعلام

سوابق کیفری محکوم علیه از مراجع ذیصلاح صورت گیرد لیکن در حال حاضر به دلیل ضعف سیستم‌های اطلاع رسانی و کمبود زمان برای این‌گونه استعلامات و گاهی تعاطی مکاتبات برای رسیدن به نتیجه، دادگاه‌ها وادار می‌شوند که صرفاً بر اساس قراین و اوضاع و احوال و گاهی به صرف ادعای محکوم علیه او را فاقد سوابق محکومیت مؤثر کیفری قلمداد نمایند.

۲- صدور حکم محکومیت: در موارد تعلیق، دادگاه مکلف است ابتدائاً حکم محکومیت مرتکب را صادر و سپس اجرای آن را با صدور قرار، تعلیق نماید. در واقع تعلیق اجرای مجازات فرع بر تعیین مجازات می‌باشد. (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی)

۳- صدور قرار تعلیق اجرای مجازات: پس از صدور حکم محکومیت و تعیین مجازات، دادگاه قرار تعلیق اجرای مجازات را صادر می‌کند.

۴- تصریح به جهات و موجبات تعلیق: دادگاه باید صرفاً جهات و موجبات تعلیق را در حکم ذکر کند.

دلیل این کار را شاید بتوان اعمال دقت بیشتر توسط قاضی و جلوگیری از اعمال سلیقه و سهولت نظارت بر عملکرد دادگاه‌ها ذکر کرد. لیکن به نظر برخی از اساتید حقوق جزای کشورمان، شاید همین الزام دادگاه به استدلال در موارد تعلیق مجازات، یکی از علل کم بودن موارد تعلیق در بین آرای محاکم کیفری ایران باشد. و این در حالی است که در برخی کشورها درست عکس این رویه جاری است، یعنی عدم تعلیق مجازات نیاز به استدلال دارد نه تعلیق. (حسن دادبان، تقریرات درس حقوق جزای عمومی دوره دکتری)

۵- تصریح به دستورات موردنظر دادگاه: در تعلیق‌های مراقبتی دادگاه باید دستور یا دستوراتی را که متهم باید در مدت تعلیق رعایت نماید، در حکم تصریح کند. (ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی)

۶- تعیین مدت تعلیق: دادگاه مدت تعلیق را بر اساس زمان بندی قانون موجود (دو الی پنج سال) انتخاب و آن را در حکم ذکر می‌کند. (مواد ۲۵ و ۲۸ قانون مجازات اسلامی)

۷- تصریح آثار عدم تبعیت از دستورات دادگاه: در تعلیق‌های مراقبتی دادگاه باید آثار عدم تبعیت از دستورات دادگاه را در حکم تصریح و به متهم ابلاغ کند. (تبصره ذیل ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی)

۱- تصریح موجبات فسخ قرار تعلیق و آثار فسخ: دادگاه باید در حکم خود تصریح کند که قرار تعلیق صادره در چه صورتی فسخ خواهد شد و در صورت فسخ قرار با محکوم علیه چه برخوردی خواهد شد. (ماده ۳۵ قانون مجازات اسلامی)

بخش دوم - رویه قضایی ایران و تعلیق مجازات

در این بخش نخست عملکرد رویه قضایی محاکم کیفری ایران در خصوص تعلیق مجازات را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

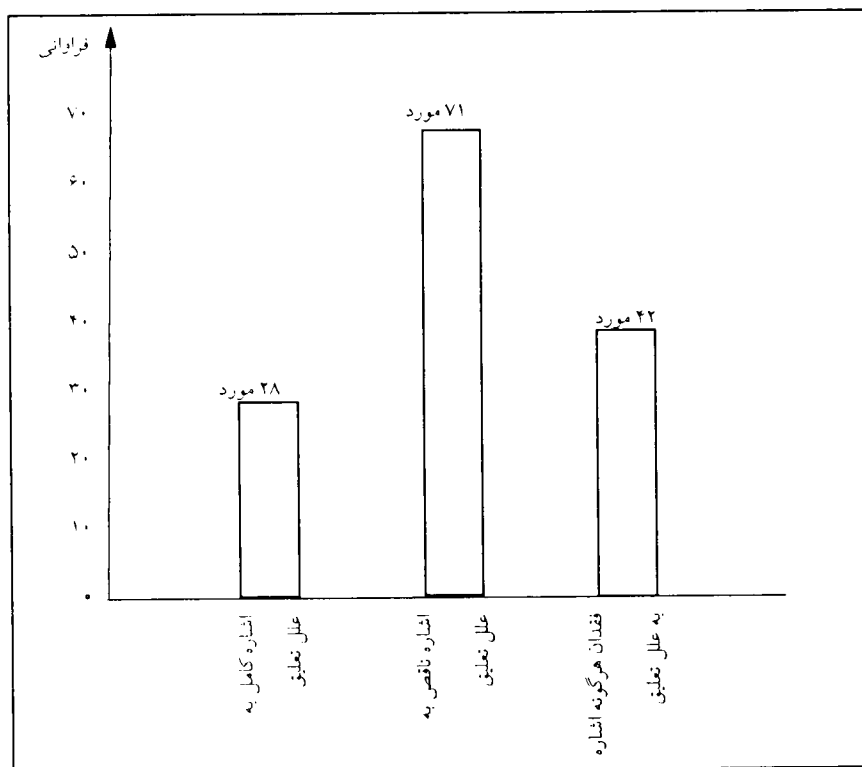
نگارنده این سطور در ترم تابستانی سال ۱۳۸۱ از دانشجویان یکی از کلاس‌ها که از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها بودند، به عنوان فعالیت تحقیقی آنها، درخواست نمود که هریک از آنها تعدادی رأی، متضمن تعلیق اجرای مجازات را از دادگاه‌های محل سکونت خود اخذ و ارائه نمایند. در همین رابطه معرفی نامه‌های لازم نیز صادر و در اختیار آنان قرار گرفت. از مجموعه ۳۵ نفر دانشجوی کلاس حدود نیمی از آنها موفق شدند که تصویری از آرا را از محاکم اخذ نمایند. مجموعاً ۱۴۱ رأی از ۶۵ شعبه دادگاه مربوط به ۱۹ شهر کشور اخذ شد. هرچند که با توجه به کثرت محاکم و گستردگی آنها در کشور، آراء جمع آوری شده بسیار کم بوده است لیکن از آنجا که گردآوری آرا کاملاً تصادفی انجام شده است و گستردگی خوبی در سطح کشور (۱۹ شهرستان) داشته و تعداد نسبتاً قابل توجهی از شعب صادرکننده حکم (۶۵ شعبه) به چشم می‌خورد، فلذا به نظر می‌رسد که نتایج حاصله هرچند که به‌طور قطع اطمینان‌آور نیست، لیکن می‌تواند شاخص خوبی برای رویه محاکم در خصوص نحوه صدور و اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات باشد. عین آرای محاکم نزد نگارنده محفوظ است لیکن به جهت حفظ امانت و همچنین حفظ آبروی محکومین و خودداری از اطاله مطلب، از درج مشخصات و نوع اتهامات صرف‌نظر می‌شود. برای بررسی دقیق‌تر این مبحث را در ۴ قسمت ارائه خواهیم داد.

مبحث اول - ارزیابی رویه قضایی در خصوص تصریح علل و موجبات تعلیق در

دادنامه

همان‌گونه که قبلاً دیدیم یکی از تکالیف دادگاه این است که علل و موجبات تعلیق مجازات

را در دادنامه تصریح نماید. در ارزیابی به عمل آمده روی نمونه آراء جمع آوری شده ملاحظه می شود که تنها در ۲۸ رأی از مجموع ۱۴۱ رأی گردآوری شده به این تکالیف عمل شده است. به عبارتی دیگر، تنها ۲۰٪ دادگاه‌ها به طور کامل به این وظیفه عمل نموده‌اند. حدود ۵۰٪ دادگاه‌ها به علل و موجبات تعلیق، به طور ناقص اشاره کرده و متأسفانه ۳۰٪ دیگر از دادگاه‌ها اساساً در دادنامه صادره هیچ اشاره‌ای به علل و موجبات تعلیق نکرده‌اند. این بی توجهی از سوی دادگاه‌ها معنادار است. فراوانی مقایسه‌ای آراء صادره در نمودار زیر آورده شده است.

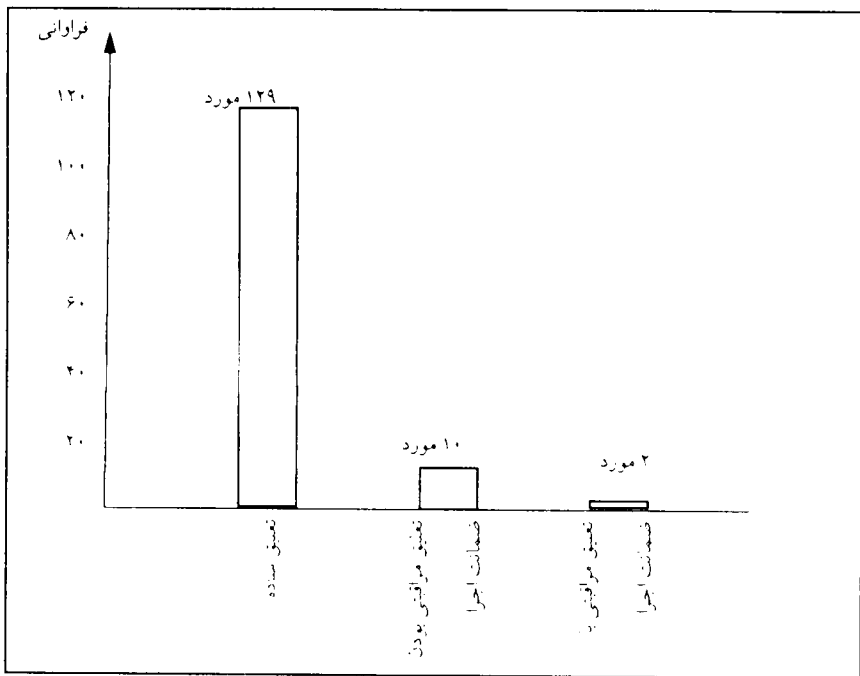


نمودار شماره ۱- ارزیابی احکام صادره از حیث تصریح به علل تعلیق مجازات در رأی دادگاه

مبحث دوم - ارزیابی رویه قضایی از حیث نوع تعلیق تعیین شده

گفتیم که تعلیق مجازات در حقوق جزای ایران به تعلیق ساده و مراقبتی تقسیم می شود.

همان‌گونه که در نمودار شماره ۲ مشاهده می‌شود اکثریت قریب به اتفاق دادگاه‌ها به دلایلی که در پایان همین مقاله ذکر خواهد شد، تمایل به انتخاب تعلیق ساده دارند. حدود (۹۱٪) از از دادگاه‌ها نیز که حکم به تعلیق مراقبتی نموده‌اند، هیچ‌گونه تمهیدات و پیش‌بینی‌هایی در خصوص تعیین مرجع انجام مراقبت به عمل نیاورده‌اند. (یعنی در واقع کمتر از ۲٪ دادگاه‌ها، تعلیق مراقبتی را به مفهوم واقعی آن مورد حکم قرار داده‌اند).

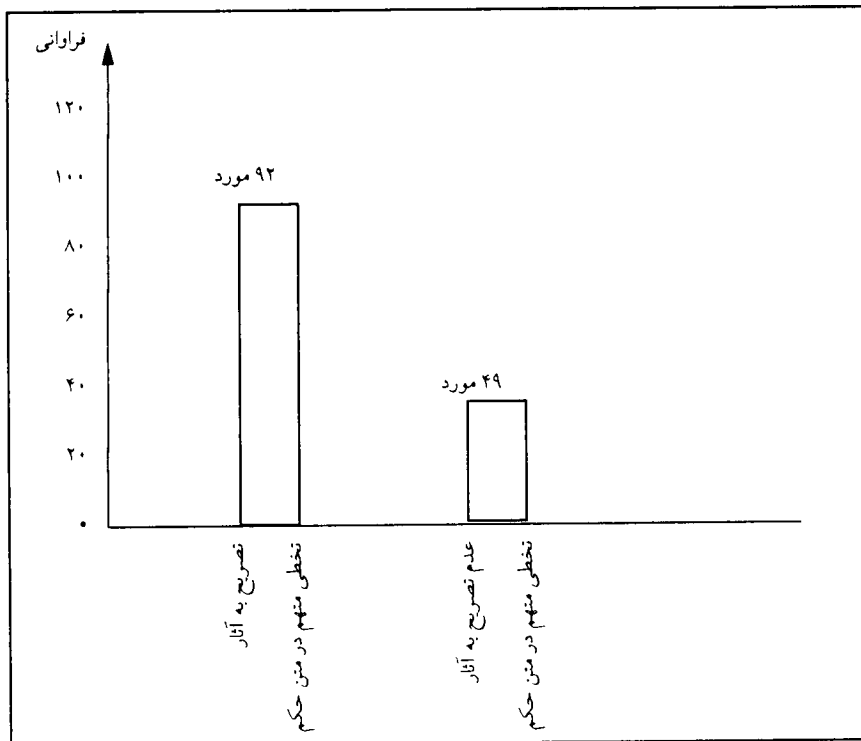


نمودار شماره ۲ - ارزیابی احکام صادره از حیث ساده یا مراقبتی بودن تعلیق

مبحث سوم - ارزیابی رویه قضایی از حیث آثار تخطی متهم از شرایط تعلیق

همان‌گونه که قبلاً ملاحظه نمودیم دادگاه صادرکننده قرار تعلیق مجازات باید آثار و عواقب تخطی متهم از شرایط استفاده از تعلیق (مانند تخطی از دستورات دادگاه یا ارتکاب جرم در مدت تعلیق) را به محکوم علیه تفهیم و در دادنامه نیز تصریح نماید. از این حیث نیز متأسفانه حدود ۶۵٪ از دادگاه‌ها به تکالیف خود عمل نموده‌اند و ۳۵٪ باقی مانده به این موضوع بی‌توجه

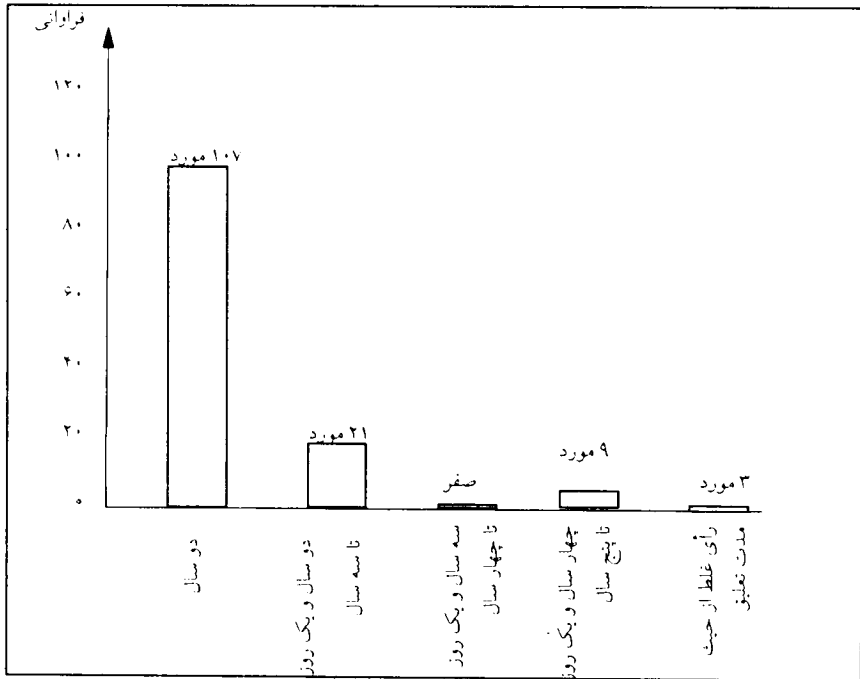
بوده‌اند. نمودار شماره ۳ نشانگر این واقعیت است.



نمودار شماره ۳- ارزیابی احکام صادره از حیث تصریح آثار تخطی متهم از تعهدات

مبحث چهارم - ارزیابی عملکرد رویه قضایی از حیث مدت تعلیق

در قوانین جزایی فعلی ایران، تعلیق اجرای مجازات صرفاً در جرایم تعزیری و به مدت دو تا پنج سال قابل اعمال است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که اکثریت قابل توجهی از دادگاه‌ها، گرایش به تعیین حداقل مدت تعلیق داشته‌اند (حدود ۷۶٪). تنها ۶٪ دادگاه‌ها حداکثر مدت تعلیق، یعنی پنج سال، را تعیین و ۱۵٪ دادگاه‌ها نیز مدت تعلیق را بین دو تا سه سال تعیین کرده‌اند. متأسفانه حدود ۳٪ دادگاه‌ها نیز در این خصوص بی‌دقتی داشته و مدت تعلیق را کمتر از میزان قانونی تعیین کرده یا اساساً هیچ مدتی را تعیین نکرده‌اند. نمودار زیر این ارقام را نشان می‌دهد.



نمودار شماره ۴- ارزیابی احکام صادره از حیث مدت تعلیق

بخش سوم - نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۱- واقعیت موجود آن است که رویه قضایی ما بیشتر متمایل به استفاده از تعلیق ساده است و تعلیق مراقبتی به ندرت مورد حکم واقع می‌شود. ممکن است برخی از صاحب نظران دلیل این امر را بی‌اطلاعی قضاوت محاکم نسبت به مزیت‌های تعلیق مراقبتی ارزیابی کنند لیکن چنین استدلالی چندان مورد قبول نمی‌باشد. به نظر نگارنده علت واقعی عدم گرایش محاکم به تعلیق مراقبتی، ناتمام بودن و ناکام ماندن سیستم تعلیق مراقبتی در کشور ما است.

در کشورهایی که سیستم تعلیق مراقبتی در آنها کامل است، نهادهایی برای نظارت بر حسن اجرای حکم دادگاه پیش‌بینی شده‌اند. یکی از این نهادها، قاضی اعمال مجازات است (که در عمل وظایف او بسیار گسترده‌تر از دادیار اجرای احکام در سیستم حقوقی ما است). وجود قضات اجرای احکام به وسیله نهاد دیگری به نام پروبیشن تکمیل می‌شود. نهاد اخیر از تعداد

کثیری از مددکاران اجتماعی و برخی متخصصان دیگر از سایر علوم تشکیل می‌شود. هر مأمور پروبیشن در حوزه کاری خود نظارت و سرکشی بر امور تعدادی از محکومین تعلیقی را بر عهده دارد و به‌طور مرتب و دوره‌ای وضعیت آنان را به قاضی اجرای مجازات اطلاع می‌دهد. قاضی اجرای مجازات نیز بر اساس مطلوب یا نامطلوب بودن وضعیت محکوم علیه، تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کند. وجود سیستم مذکور ناخودآگاه به محکوم علیه القا می‌کند که عملکرد وی در دوران تعلیق به دقت تحت نظارت است و بر همین اساس محکومین معمولاً جرأت تخطی از دستورات دادگاه را به خود نمی‌دهند. ناگفته پیداست که در کشور ما چنین سیستمی وجود ندارد و اصل بر این است که اگر اتفاقاً دادگاه از تخطی محکوم علیه از دستورات مطلع شد، نسبت به فسخ قرار تعلیق اقدام و نسبت به اعمال مجازات تعلیق شده اقدام نماید. ملاحظه می‌شود که در سیستم حقوقی ما عملاً اجرای حالت بینابینی برای تذکر به موقع به محکوم علیه وجود ندارد و معمولاً دادگاه صادر کننده قرار تعلیق وقتی از تخلف محکوم علیه مطلع می‌شود که کار از کار گذشته و هیچ چاره‌ای جز اعمال مجازات تعلیقی وجود ندارد.

پیش‌بینی و اعمال سیستمی مشابه کشورهایمانند انگلیس و فرانسه در کشور ما نیز به راحتی امکان‌پذیر است. بسیاری از نهادهای موجود همانند بهزیستی و بازرسان وزارت کار و سازمان جوانان با برنامه‌ریزی و تقسیم کار می‌توانند به سمت و سوی ایفای نقش در این سیستم کنترلی حرکت کنند. بسیاری از افسران بازنشسته پلیس، دبیران و فرهنگیان بازنشسته و سایر بازنشستگان لشکری و کشوری می‌توانند به صورت داوطلبانه در این طرح شرکت کنند و علاوه بر ایجاد اشتغال و سرگرمی مناسب برای دوران بازنشستگی، گام مثبتی را در اصلاح بزهکاران در سطح جامعه بردارند. مساجد و شوراهای محلی نیز می‌توانند در این زمینه فعالانه مشارکت نمایند.

۲- متأسفانه در حال حاضر، به نظر می‌رسد که تعلیق مجازات بیشتر برای تعدیل جمعیت زندان‌ها اعمال می‌شود به همین دلیل ملاحظه می‌شود که دقت نظر لازم در آراء محاکم وجود ندارد. نمونه‌هایی از این بی‌دقتی را در بخش ارزیابی رویه قضایی مشاهده کردیم. تعلیق مجازات بی‌مورد نیز همانند مجازات بی‌مورد می‌تواند مخرب باشد. فرد محکوم علیه باید به خوبی در خصوص موجبات و شرایط تعلیق توجیه شود. قاضی محکمه باید با قاطعیت به وی تفهیم

نماید که فلسفه تعلیق، دادن فرصت جهت اصلاح به وی می‌باشد یعنی باید محکوم علیه در قبال تعلیق مجازات، احساس دین کند و آن را لطفی در حق خود بداند. صدور قرار تعلیق بدون انجام کار روانی - حداقل در شخص محکوم علیه - بلا اثر خواهد بود. محکوم علیه اگر احساس کند تعلیق مجازات وی به دلایل اقتصادی مانند کاهش در هزینه‌های دولت یا انفجار جمعیت زندان‌ها صورت گرفته است در آن صورت به جای احساس دین کردن در مقابل جامعه، خود را برندهٔ پروسه تعقیب و مجازات خواهد دانست.

پیشنهاد نگارنده در این خصوص آن است که مسئولین محترم قوه قضاییه به منظور ایجاد وحدت رویه در محاکم سطح کشور در این خصوص جزوه‌های آموزشی مناسبی را جهت قضاوت محترم تهیه نمایند و ابعاد روان شناختی و جامعه شناختی تعلیق اجرای مجازات را برای آنان تشریح نمایند.

۳- اساساً باید تعلیق اجرای مجازات با مطالعه بر روی شخصیت فرد محکوم صورت گیرد. در اکثر کشورهای پیشرفته این امر به وسیلهٔ تشکیل پروندهٔ شخصیتی متهم در کنار پروندهٔ اتهامی وی صورت می‌گیرد. (محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، ص ۱۸۳)

متأسفانه در کشور ما هنوز جای پروندهٔ شخصیتی متهم خالی است، در حالی که اساساً در مجازات‌های تعزیری و بازدارنده، شخصیت متهم یکی از معیارهای اصلی در تعیین شدت و ضعف مجازات می‌باشد. به دلیل فقدان چنین پرونده‌ای، توقع ما این است که قاضی محکمه به عنوان یک حقوقدان در کنار انجام وظیفهٔ اصلی خود، وظایف مربوط به متخصصین علوم تربیتی و روانشناسی و جامعه‌شناسی را نیز انجام دهد. این توقع کاملاً بلاوجه و تکلیف مالا یطاق است و خارج از حدود صلاحیت و توانایی قاضی است. بر همین اساس نیز استنباطات شخصی آنان باعث پراکندگی و تعارض در رویهٔ قضایی نیز می‌شود. این مشکل نیز با توجه به کثرت فارغ التحصیلان رشته‌های ذکر شده در سطح جامعه ما، به آسانی قابل حل است و از این رهگذر هم مشکل اشتغال متخصصین قابل حل است و هم مشکل تشکیل پرونده‌های شخصیتی.

۴- بدون تردید، سیستم قضایی کشور ما از حیث حدود و قصاص و دیات مبتنی بر منابع پویای فقه اسلامی بوده و پیشرفته‌ترین قوانین برای اعمال در زندگی بشر بوده و خواهد بود.

لیکن در باب تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده توصیه شرع مبین اسلام بر بهره‌برداری از یافته‌های دانش بشری و سایر جوامع می‌باشد، غرور برخوردار از قوانین مترقی در بخش اول نباید ما را از مطالعه و بررسی برای کارآمد کردن و به روز کردن مقررات بخش دوم (به مفهوم توسعه قوانین) بی‌نیاز کند. انشاءالله که همگی بخش‌های مسئول در اجرای عدالت و برقراری نظم تلاش نمایند که در این بخش کارآمدترین روش‌ها را شناسایی و جهت اجرا به نهاد تقنینی کشور پیشنهاد نمایند.

کتابنامه:

- ۱- آخوندی، محمود، (۱۳۷۷)، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، چاپ پنجم، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲- آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، نشر گرایش.
- ۳- آنسل، مارک، (۱۳۷۰)، دفاع اجتماعی، ترجمه دکتر محمد آشوری و دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- استفانی، گاستون، (۱۳۷۷)، حقوق جزای عمومی، ترجمه دکتر حسن دادبان، جلد دوم، نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۵- دادبان، حسن، (۱۳۸۲)، تقریرات درس حقوق جزای عمومی دوره دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۶- دادبان، حسن، (۱۳۶۶)، تقریرات درس حقوق جزای عمومی ۲ و ۳ و ۴ دوره کارشناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۷- شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات ویراستار، چاپ پنجم.
- ۸- صانعی، پرویز، (۱۳۷۴)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات گنج دانش، چاپ ششم.
- ۹- گلدرزیان، ایرج، (۱۳۸۲)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چاپ هشتم.
- ۱۰- نوربها، رضا، (۱۳۶۹)، زمینه حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری مرکز، چاپ اول.

قوانین و مقررات:

- ۱- قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۳.
- ۲- قانون راجع به موارد تعلیق، مصوب ۱۶ و ۱۷ بهمن ماه ۱۳۰۷.
- ۳- قانون تعلیق اجرای مجازات، مصوب ۱۳۴۶/۴/۲۶.

۴- قانون راجع به مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱.

۵- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰/۹/۷.